



بنیاد اسلامی و فرهنگی ایران
I.R.I.C.F

non-profit org.
(501)(C)(3)

houstonbonyad.com

تلفن اطلاعات

(832) 466-8849

لینک فایل صوتی

جلسه سوم

برای شنیدن

لطفا کلیک کنید

Dr. Naraghi

Audio File

Part 3

سال سوم - فصل ۵

جلسات مجازی سه شنبه شبها

در زمینه های

ادبی / علمی

عرفانی / هنری

فرهنگی / اجتماعی

تاریخی

لطفا سوالات و نظرات خود را
در رابطه با موضوع سخنرانی
به پست الکترونیکی زیر
ارسال کنید

iricf@
bonyadnameh.com

10125 EMNORA Ln.
Houston, TX 77080

(جلسه چهارم) : " مبانی فلسفی ایمان به غیب " دکتر آرش نراقی

« روشهای دسترسی به عالم غیب از منظر دینی » مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت

سه شنبه: ۲۲ آگوست - ۹ شب (بوقت تگزاس)

Zoom Meeting ID 860 2397 9130

<https://us06web.zoom.us/j/86023979130>

Tuesday August 22, 2023 9:00 pm Central

نکاتی از بحث جلسه سوم: انواع رویکردها نسبت به مقوله عالم غیب ... موضع گیری در نسبت میان عقل و دین

واقع گرایی نص گرا:

... اصل وجود عالم غیب بلحاظ متافیزیکی واقعیتی عینی است و تحقق مستقل از ما دارد ...
... در جزئیات عالم غیب ... بر تفسیر تحت اللفظی و ظاهری منابع دینی در خصوص جزئیات عالم غیب موجودات و یا
وقایعی که در آن اقلیم رخ میدهد اعتماد کنید ... این رویکرد به عالم غیب مبتنی بر "ایمان گرایی" است، یعنی موضعی که
معتقد است عقل انسان در مقام ارزیابی و سنجش آموزه های دینی نقشی ندارد.

واقع گرایی تاویلی:

واقع گرایی تاویلی هم اصل وجود مستقل عالم غیب را برسمیت می شناسد، اما درباره جزئیات عالم غیب آنچنان که در متون
دینی آمده است، باب تاویل را گشوده می داند. در اینجا البته زبان استعاری به نحو نمادین از واقعیتی مستقل از فرد خبر
میدهد. این رویکرد ... مبتنی بر نوع خاصی از عقل گرایی است ... نوعی قرینه گرایی سلبی ... به این معنا که ... افراد بر
اساس مبانی ای که لزوماً برای همگان دسترس پذیر یا قانع کننده نیست (مثل تجربه های دینی، پاره ای استدلالهای فلسفی،
الهام از منابع دینی یا ملاحظات عمل گرایانه) باورهای دینی خود را اختیار می کنند، و این باورها واجد اعتبار اولیه اند، و
تداوم فرد به باور به این عقاید مادام که هیچ مورد ناقض نقض نداشته ای نداشته باشد، عقلاً موجه است ...

موضع ضد واقع گرایی:

این موضع مبتنی بر یک تلقی خاص از رابطه میان عقل و باورهای دینی است که مطابق آن نمی توان باور دینی را پذیرفت
مگر اینکه با دلایل اثباتی شده باشد ... قرینه گرایی ایجابی ... اما البته اثبات ایجابی عالم غیب و عناصر موجود در
عالم غیب کار آسانی نیست ... بلکه ... در پاره ای مواقع ... ممکن نیست ... در این صورت این گروه اصل متافیزیکی عالم
غیب بعنوان واقعیتی مستقل عینی در عالم خارج را انکار میکنند و آنرا در واقع یک جور حکایت از احوالات و روحيات
روانی خود فرد و از جمله شخص پیامبر میدانند و ... در جزئیات عالم غیب در منابع دینی ... یکسره آنها را تاویل میکنند ...
منتها تاویل واقع گرایان با تاویل ضد واقع گرایان متفاوت است ... در زبان واقع گرایان استعاره ها و مجاز به نحو نمادین
اشارتی به واقعیتی در جهان عالم خارج میکنند ... اما در موضع ضد واقع گرایان این نمادها، این اشارت ها در واقع از
حالات و روحيات نفسانی خود شخص حکایت می کنند نه از چیزی وراء و مستقل ... هر دو به یک معنا می پذیرند که زبان
دین در این حوزه می تواند استعاری یا مجازی یا سمبولیک باشد ولی در عین حال موضوع مورد اشاره زبان را متفاوت می
دانند ...

آیا انسانها می توانند به نسبت، به جزئیات عالم غیب آگاهی پیدا کنند؟

... اقلیمی که از دسترس دستگاه ادراکی ما بیرون است را می توانیم به سه ساحت تقسیم کنیم ...
غیب اول ... اموری است که بر ما پوشیده است .. اما وقتی بر ما آشکار بشود ... می توانیم آنها را بفهمیم و درک کنیم...
غیب دوم ... نوعی از ساحت عالم غیب که بر دستگاه ادراک مفهومی ما پوشیده است اما به روشهایی دیگر می توانیم با آن
در تماس باشیم ...
غیب سوم ... هم اقلیمی است که اساساً به هیچوجه در دسترس دستگاه ادراکی ما، اعم از مفهومی و فرا- مفهومی در نمی آید .
... (غیب مطلق یا غیب مصون) ...

... غیب دوم ... ساحتی از عالم غیب است ... که به چنگ حواس ما در نمی آید ... نمی توانیم آنها را به قالب زبان اخباری
در بیاوریم .. اما .. بشر راههایی دارد که با این ساحت در تماس قرار گیرد و دریافت های خود از این ساحت را در قالب
زبان اشارت، نمادین و یا استعاری بیان کند ...

مکانیسم تماس با عالم غیب از طریق: ... شناخت مفهومی - (صورت تقلیل یافته و آنالیز کردن قالب های ذهنی) ...

شناخت فرا مفهومی - (نوعی ادراک عاطفی ... لمس کردن موضوع اما مشکل در بیان آن ..)
... مثال ... یک تجربه عمیق عاطفی عاشقانه از جنس تجربه های مفهومی نیست ... بحض قرار گرفتن تجربه در قالب زبان
خود تجربه از دست رفته است ...

چون قلم اندر نوشتن می شتافت ***** چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت

عقل در شرحش چو خر در گل بخت *** شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت

... برای تماس به این ساحت ها ، باید خود را به تمامت و به سرشاری تقلیل نا یافته این تجربه ها بسپاریم ...